

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۱۱/۰۸

پوهاند داکتر بشیر احمد زکریا
ترجمه رحمت آریا

بی طرفی دایمی افغانستان قسمت اول



د پانو شمیره: له ۱ تر ۹

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ



بی طرفی دائمی افغانستان : رسالہ تحقیقی

پوهاند بشیر احمد زکریا

ترجمہ: رحمت آریا

د پانو شمیرہ: له ۲ تر ۹

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

نقشه سویتزرلند

Répartition géographique des langues officielles en Suisse (2000)



Note: The cover page image and the map of Afghanistan and ethnical map of Switzerland are borrowed from Google.com. Thanks Google.

یادداشت: تصویر جلد کتاب، نقشه افغانستان و نقشه اتنیکی کشور سویتزرلند از گوگل دات کام عاریه شده اند. تشکر گوگل.

د پانو شمیره: له ۳ تر ۹

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ

مردم افغانستان باید
در راستای بی طرفی دائمی
کار نمایند
یگانه راه برای صلح آینده و
مصوونیت خانواده های شان

نویسنده :

پروفیسر بشیر احمد زکریا
پروفیسر دائمی و لکچرر خاص
پوهنتون کولمبیا، کالج آف فیزیشنز اینډ سرجنز

همکاران نویسنده :

داکتر حبیب زکریا – داکتر انتروپولوژی – پوهنتون سوربون – فرانسه
پ. عثمان زکریا – لیسانسه علوم اجتماعی «تاریخ – پوهنتون کابل»

تاریخ یگانه علم علوم اجتماعیست که ما را در جواب به این پرسش کمک می کند که مردم افغانستان چگونه می توانند خود را از دوام خونریزی، ویرانی و از دست دادن اعضای خانواده های شان که پایانی، ندارد نجات داده می توانند. با سابقه که در مطالعه فلسفه تاریخ و تاریخ قرن نهم دارم و نوشته هایی که درین موارد کرده ام، خواستم تا برجسته ترین نکات پر اهمیت حادثه این قرن را دریابم. با تأسیس ایالات متحده امریکا و صدور اعلامیه استقلال و تدوین قانون اساسی امریکا در ۱۷۷۶ - ۱۷۸۷م انسانها در پی دفاع از حقوق خداداد فطری، حقوق لاینفک زندگی همه انسانها، آزادی و تعاقب سعادت برآمدند. پی آمد خونریزی های سالیان ۱۷۸۹ - ۱۷۹۹، منجر به انقلاب فرانسه شد. همه این حوادث بعد از بسته شدن دربهای عصر تاریک قرون وسطی و باز شدن درب «عصر خرد» و «عصر روشنگری» در اروپا به وقوع پیوسته اند.

با فرا رسیدن سالهای ۱۸۰۰ تمام مقاصد نیکوی انقلاب فرانسه با ظهور ناپلیون و «نشنلیزم» ضربه دید. امپراتور فرانسه ناپلیون، به مثابه عالیترین فرمانروای مطلق جایگزین اولین جموریت نو به ظهور رسیده فرانسه شد. جاه طلبی های ارضا ناپذیر ناپلیون تمام قاره اروپا را به بزرگترین میدان جنگ مبدل ساخت. زمانیکه ناپلیون احساس کرد که روسیه بطرف ایجاد آرمان او یعنی تشکیل فدراسیون اروپایی متشکل از امپراتوریهها و سلطنت های مستقل تحت اداره اوست، بطرف روسیه مارش نمود و با لشکر ۵۰۰۰۰۰ نفری خود روسیه را تسخیر نمود. سیاست زمین سوزی روسیه و زمستان بی نهایت شدید، دو بر سوم لشکر ناپلیون را معدوم ساخت و شهزاده میترنیش که مترصد اوضاع بود، در ائتلاف با برتانیای کبیر، پروشیا و روسیه - ناپلیون را شکست داد و او را به جزیره ایلبا تبعید نمود، ناپلیون بار دوم به وسیله ولینگتن به مستعمره انگلیس در بحر پاسیفیک به جزیره سنت هیلینا تبعید شد.

در سال ۱۸۱۴م بود که میترنیش منحیث وزیر امور خارجه امپراتوری آستریا آمادگی کنفراس صلح در ویانا را آغاز کرد که بر مبنای آن نیرو های اروپایی دوباره احیا و بعد از تباهی همه جانبه اروپا بوسیله ناپلیون «توازن قوا» در اروپا دوباره برقرار شد.

بعد از دو سال تفحص در آرشیف های ویانا پیرامون کانگرس ویانا، یعنی کتب منتشره، مکاتیب و مقالات در باره کانگرس مذکور، راز کانگرس ویانا منعقد شده سالیان نوامبر ۱۸۱۴ تا جون ۱۸۱۵م برایم مکشوف شد. بنابراین در تحلیل مسایل تاریخی مانند بررسی یکی از حوادث بی نهایت مهم قرن نهم، کتاب حاضر شاید برای عده زیاد برای اولین بار نوعی از رازگشایی این حادثه مهم تاریخ تلقی گردد. پس از مرور دسایس، تصادمات شخصیتی و ساخت و پاخت ها، از روی دلایل مخفی نگهداری اهمیت «بیطرفی دائمی سویس» که با مفهوم پر اهمیت «صلح جهانی» پیوند تنگاتنگ دارد پرده برداشته خواهد شد. این مفهوم برای مدت اضافه از دو صد سال در تحت سرپوش وسیع دیپلوماسی و سیاست بازی ها در پرده اسرار پوشیده مانده و در کنج تاریکخانه سیاست نگهداشته شده است. از زمان بوجود آمدن دولت شهر های یونان تا شهریارنشینیها، پادشاهی ها، شهنشاهی ها، ایالات متحده ها و فدراسیون های دولت های بهم آمیخته متفکرین در پی دریافت معنی و مفهوم «بیطرفی دائمی» بوده اند.

در فصول بعدی این کتاب که «مانند کتاب تامس پین» بزبان ساده نوشته شده است خوانندگان به این پی خواهند برد که اهمیت «راز سترگ» در چه نهفته است و چرا مردان نیرومند میدان سیاست و دولتها از شناسایی آن انکار جسته اند؟ چرا تصور کلی «صلح جهانی» در چهارچوب اتموسفر تاریخی شرارت انسانی، جاه طلبی های بی نهایت و ویژه گی های خودخواهانه با شکاکیت روبرو شد.

اهداء

این «رساله» برای به مردم افغانستان که متشکل از اقوام و مذاهب گوناگون اند اهداء و تحریر شده است. خداوند «ج» این قطعه زمین را در تقاطع راه های خیلی خطرناک آسیا جا داده است. شاید کسی بپرسد که «چرا؟». خداوند «ج» با حکمت لایتناهی خویش باید «دلیل خوبی» برایش داشته باشد. در این رساله شما شرح خیلی مستدلی را خواهید یافت که شاید «دلیل خوب» مبتنی بر واقعیت های حوادث تاریخی، محاسبات دیپلوماتیک، شرایط جغرافیوی، اجتماعی و تاریخی باشد.

محققین افغانستان را بخاطر موقعیت جغرافیوی آن که حیثیت چهارراهه آسیا را داشته است نه بخاطر خودش بل بخاطر داشتن راه های تجارتي غنایمدمش میان هند و چین جستجو نموده اند، آنان افغانستان را بخاطر موقعیت جغرافیوی اش که زیر شکم نرم روسیه قرار داشت و به نسبت راه های کوتاه مواصلاتی به منابع نفت و آبهای گرم خلیج فارس و بحر هند مورد اکتشاف قرار داده اند. در نتیجه مردم افغانستان طی ۵۰۰۰ سال قدامت تاریخی اش از زمان الکسندر کبیر، تا چنگیزخان، تا امپراتوری مغول، با اقوام دلیر و جنگجوییش، توسعه امپراتوری برتانوی، جاه طلبی های اتحاد شوروی و سرانجام ایالات متحده امریکا، هرگز و در هیچ مقطع تاریخی صلح پایدار و یا امنیت دایمی را نه دیده اند. مردم افغانستان طی همین قرون متمادی هیچ چیزی را به جز از جنگ، خونریزی، ویرانی و تباهی کشور شان نه دیده اند.

بنابراین این رساله را به مردم بی نوای خود که بصورت بیرحمانه سرکوب شده اند حفاً اهداء می کنم. مردم افغانستان طی اعصار متمادی خود را از طریق عشق به آزادی زنده نگهداشته اند، بنابراین به دیگران است و بدانند و در این شک و شبهی نداشته باشند که زمانی و در آینده نه چندان دور متحدانه به مثابه یک ملت به پا خواهند ایستاد، خواهند شد نه بخاطر رویارویی با دشمنان، بل «زیر سایه تحفظ خداوند چون ملت انقسام ناپذیر»، و خواستار حق زندگی در صلح با امنیت خانواده های شان، احترام به وقار ملی شان، احترام به اعتقادات شان و مهمتر از همه بخاطر آزادی و اختیار خدا داد شان به پا خواهند خاست. بدیهیست که آنها مانند سایر ملل آرزومند سعادت برای خانواده های شان اند.

بدیهیست که افغانها مانند سائر ملل جهان آرزومند سعادت خانواده های خویش اند. افغانها در مقایسه با تمام ملت های آسیای میانه، به تاریخ ثابت ساخته اند که با عرق جبین و خون خویش جایگاه شایان، بی نهایت شامخ و قابل تمجید و احترام همسایگان خود و مردم آزادی پسند جهان را چنان به دست آورده اند که این کشور را ملقب به «گورستان امپراتوریهای جهان» کرده اند. بنابراین این ملت باید مستحق حق سلب ناشدنی بیطرفی دائمی همراه صلح و امنیت به مانند سویتزرلند آینده آسیا گردد. ما بالای تمام ملت های آسیا که مانند سائر مردم صلح دوست و عاشقان آزادی در روی زمین اند صدا می کنیم که راه صلح جهانی را برای بشریت هموار سازند، راهیکه برای انسان وعده شده ولی بوسیله یک اقلیت از آن انکار شده است، اقلیتی که مشخصات لازمی حقیقت شعور، اقتضای سازنده فطرت و عشق را قبول نمی کنند، عشقی که نخستین انسان «حنیف» بر مبنای آن آفریده شد تا نایب خداوند متعال در روی زمین باشد.

فصل اول

قبل از مدخل به مبحث «بی طرفی دائمی» افغانستان، که سویترز لند آسیا گردد، نخست باید اصلاحاتی را تعریف کنیم که در این مبحث بکار میرود.

کشور بی طرف دائمی: کشور مستقلی است، که به اساس یک معاهده بین المللی و امضاء شده از طرف قدرتهای عمده، متعهد میگردد که در تمام جنگ ها علیه دول متحارب بی طرف باقی بماند و حق دفاع از خود را از طریق نیروی نظامی ملی خود و یا از طریق ملیشیا ی نظامی خود داشته باشد، مشروط به آن که اگر هر نوع حمله بر حریم سرحدی او از بیرون صورت پذیرد.
مثال: بی طرفی سویترز لند یگانه نمونه بی طرفی دائمی است که طی دوصد سال از بوتۀ آزمون زمان بدر آمده است.

کشور بی طرف: به هر آن کشور مستقلی اطلاق میگردد که خود را در برابر دولت متحارب و یا دول متحارب، در برابر هر نوع جنگی جاری که میان دو کشور و یا چندین کشور - مثال - «جنگ دوم جهانی» - به وقوع می پیوندد بی طرف اعلان نماید.

مثال: بی طرفی افغانستان و غیر منسلک بودن افغانستان بین سالهای ۱۹۲۰ - ۱۹۷۸ م، افغانستان در سه جنگ میان هند و پاکستان، طی جنگ اول و جنگ دوم جهانی بی طرف باقی ماند. حقوق و وجایب نیروی بی طرف در قسمتهای^۱ و^۲ کنوانسیون سال ۱۹۰۷ هاگ تعریف شده اند.

بی طرف بودن و سیاست خارجی بیطرف: زمانیکه یک کشور اعلان ادامه بی طرفی میکند و قصد بیطرف ماندن در جنگهای آینده را دارد. این نوع کشور حق درگیر شدن در جنگ را در صورتی دارد که اگر از یک مملکت درگیر در جنگ دیگر بالایش حمله صورت گیرد. سویدن طی جنگ دوم جهانی سیاست بیطرفی را اختیار کرده بود و بعد از جنگ به همین سیاست ادامه داد.

سیاست غیر متحارب یا سیاست غیر منسلک: این نوع دولت یا دول مجبور نیستند که بیطرف باقی بمانند، ولی قصد دارند که غیر مداخلت گر بمانند و متفق ائتلاف های نظامی نمیشوند. مثال: بعد از جنگ دوم جهانی اندونیزیا به مثابه عضو نهضت عدم انسلاک.

اکثریت مردم زمانیکه اصطلاح «بیطرفی دائمی» را می شنوند تنها و تنها راجع به سویترز لند فکر می کنند. لیکن از لحاظ تاریخی از سالهای ۱۵۰۰ م به بعد کشور های بوده اند که بیطرفی خود را اعلان نموده اند مگر از طرف یکی از نیرو های متحارب مورد تاخت و تاز قرار گرفته اند.

طور مثال بلجیم، در بین مردم خود و بی میلی و اکراه به نزدیک ترین همسایه خود هالند و مذاکراتی که در سال ۱۸۳۱ آغاز شد، اکثریت نیرو های اروپایی در سال ۱۸۳۹ م بیطرفی بلجیم را بخاطر توازن قدرت در منطقه که

^۱ - کنوانسیون هاگ سال ۱۹۰۷ م. [۱] ۵ - اده پنجم - کنوانسیون در باره حقوق ووظایف قدرتهای بیطرف در حرب بحری. پوهنخی حقوق - پروژه افلان در مورد حق جنگ. کنوانسیون های هاگ سال های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ م
The Hague Convention 1907. Article V - Convention Concerning the Rights & Duties

of neutral Powers in naval war. Avalon Project of Yale Law School on Laws of War. The Hague 1899 & 1907 Conventions.

^۲ - همچنان - [۲] ۱۳ - کنوانسیون هاگ سال ۱۹۰۷ م ماده سیزدهم
Ditto. The Hague Convention 1907. Article XIII -

خیلی ها به منفعت شان بود ضمانت کردند. بلجیم طی جنگ اول جهانی علی الرغم اینکه شامل تولید اسلحه و ترانسپورت آن به جناح های درگیر در جنگ بود اشغال نه شد زیرا ضمانت بی طرفی بلجیم بوسیله برتانیای کبیر منعقد پیمان سال ۱۸۳۹م در میان بود و این خود ثبوت نقش مثبت بازدارنده نیرومند از عمل متقابل است. متأسفانه در جنگ دوم جهانی بلجیم مورد تجاوز تانکهای پتزر نازی قرار گرفت و علی الرغم آمدن قوتها متحده بخاطر کمک به بلجیم، آن کشور را در سال ۱۹۴۰م در ماه می در ظرف هژده روز اشغال کرد. علت ناکامی را اساساً باید به گردن قوتهای ائتلاف انداخت، زیرا نیرو های مؤتلفه در برابر لشکر خیلی مجهز موتوریزه غول آسای هیتلر فاقد نیروی بازدارنده نیرومند بودند.

آستریا : بعد از جنگ دوم جهانی از طرف قوت های متحده اتحاد شوروی، برتانیه، ایالات متحده امریکا و فرانسه اشغال شد. قوتهای متحده بعد از مذاکرات پر درد سر چندین ساله، احساس کردند که خروج از مملکت «مردم متحد آستریا» با داشتن حکومت منتخب خود شان، برایشان خیلی سودمندتر است نسبت به اینکه شمال تحت سیطره اتحاد شوروی و جنوب تحت سیطره سه لشکر قوتهای متحد قرار گیرد. هر چهار نیرو، بی طرفی دائمی آستریا را تحت پیمان دولت آستریا منعقد سال ۱۹۵۵م امضاء نمودند. از آنزمان تا کنون آستریا برخوردار از استقلال، صلح و امنیت بوده و بر مبنای آن فرهنگ غنامند تاریخی و اقتصادی نیرومند خود را دوباره به دست آورده است.

لاوس، علی الرغم مذاکرات نیرومند بوسیله دیپلماتهای متجرب، قبل از آغاز بحث جدی بر بی طرفی، موفق نه شد. پروفیسور الف. کورنین متخصص شهیر جهان در امور دول بیطرف، نکته مهمی را در این باره ذکر کرده است « لاوس داستان پندآگین تله دام بیطرف ساختن یک حوزه شبه جزیره ای است که از لحاظ جغرافیوی نامناسب و به تله انداختن آن در جنگ داخلی با همسایه است.» در فصل بعدی ما لیست «هفت شرط تیوری بیطرفی دائمی» پروفیسور الف. ک. کورنین^۳ را ارائه خواهیم کرد.

ترکمنستان جمهوریت توتالیتر یا استبدادی از بقایای اتحاد شوروی سابق، در سال ۱۹۹۱م بعد از اعلان استقلال خود به مجمع عمومی سازمان ملل متحد درخواست کرد تا قطعنامه را مبنی بر به رسمیت شناختن بیطرفی دائمی ترکمنستان تصویب نماید. جالب اینجاست که قطعنامه پیشنهادی ترکمنستان به پشتیبانی نیرو های عمده بشمول فدراسیون روسیه، ایالات متحده امریکا، ایران، پاکستان و ترکیه بدون ضمانت اجرایی به تصویب رسید. این قطعنامه ضمانت عملی یا اجرائی را به علت نبود پشتیبانی شورای امنیت سازمان ملل متحد که متشکل از فدراسیون روسیه، چین، انگلستان، ایالات متحده امریکا و فرانسه است نداشت. از زمان ایجاد طرحی به نام سازمان بنام ملل متحد یعنی از ۲۴ اکتوبر سال ۱۹۴۵م مجمع عمومی سازمان ملل متحد هزاران مصوبه را تصویب نموده که در آرشیف های عظیم سازمان ملل متحد، بدون توانایی عملی شدن در زیر گرد های خاک افتیده اند.

فصل دوم

فرضیه:

«آیا افغانستان می تواند با داشتن وضعیت حقوقی "بی طرفی دائمی" سویتزرلند آسیا گردد؟»

ثبوت:

قبل از آغاز محبت دال بر اینکه افغانستان بتواند سویتزرلند آسیا گردد ما باید در آینده افغانستان را با سویتزرلند سال ۱۸۱۵م، نه بل خیلی دور تر از آن مقایسه نمائیم. برای اینکه بتوانیم چنین مقایسه را انجام دهیم ما باید معایری را

³ - Professor A.K. Cronin - Sustaining Security: Rethinking American Security Strategy, Eds. Jeremi Suri & Benjamin Valentino. Tobin Project. Oxford University Press. 2016.

داشته باشیم که پیش شرط های قبلی برای یک ملت دانسته میشود تا به اساس آن مؤفانده بحیث بیطرف دائمی شناخته شود، سویتزرلند نمونه و سرمشقی در چنین حالتی است و همین حالت را طی دوصد سال گذشته حفظ نموده است. متخصص شهیر جهان پروفیسر الف. ک. کورنن بعد از مطالعه بی طرفی سیزده دولت، «تیوری بی طرفی» را ارائه نموده است. این تیوری هفت شرط خیلی مهم دارد که ما آنرا در این رساله با اختصار بزبان ساده به بحث می گیریم زیرا این رساله برای آگاهی مردم افغانستان در زمان آشفتة کنونی نوشته شده است؛ چنان زمان آشوبناکی که هستی این کشور را تهدید می کند.

معایر برای بی طرفی دائمی مؤفانده

۱ - **پشتیبانی بومی**: باید مردم متحد، متفق الرأی، آرزومند و معتقد در راه بیطرفی دائمی بخاطر بقای شان منحیث یک دولت مستقل، موجود باشند. «میزان بیطرفی یک دولت که تابعین آن دولت آنرا قبول می کنند» - و عمدتاً اینکه آغاز توافق به آن مهمتر است تا به قوت، ماهیت و نوع ضمانت خارجی آن؛ [و ر.ک به]°

۲ - **جغرافیه**: چنین کشوری باید محاط به خشکه و دارنده اراضی کوهی باشد زیرا اراضی آن برای جنگهای گوریلابی مساعد است. «سرذمین های هموار، شبه جزیری و کشور های واقع در کرانه های ساحلی در این بخش ناکام بوده اند.»

۳ - **سرحدات مورد منازعه**: سویتزرلند با ولایت همجوار مستقل خود دارای ابهام و پیچدگی بود مانند «آپتر ساوی» (که آنهم بی طرف است) و سویس میتواندست بخاطر حفظ بی طرفی خود عساکر خود را روان کند.

۴ - **سابقه منازعات داخلی**: مطالعات سیزده کشور نشان داده اند که منازعات داخلی مانع نیستند. تأریخ معاصر نشان می دهد که سویتزرلند در مقایسه با هر کشور دیگر اروپایی، جنگهای داخلی فراوانی را پشت سر گذاشته است.

۵ - **ارزش بلند اقتصادی و جیوپولیتیک**: ارزش تجارتی دارای اهمیت خود است ولی برای معیار بی طرفی دائمی کافی نیست، علاوه برآن، چنین کشوری باید حد اقل یک و یا متجاوز از یک این نکات را داشته باشد: الف: راه ها «معاور» کلیدی تجارتی، و یا ب: موقعیت مهم جیو پولتیک، ج: و یا/ دارنده منابع طبیعی باشد.

۶ - **تضمین بیطرفی دائمی از طرف قدرتهای عمده و همسایگان** (در صورت ممکن تضمین جهانی) که امضاء کننده گان به آن متعهد باشد.

۷ - **بی طرفی با داشتن قوت نظامی نیرومند**: برای دولت بی طرف دائمی باید یک توافق بین المللی موجود باشد تا نیروی نظامی قدرتمند دفاعی در اختیار خود داشته باشد و چنین دولتی باید توانایی برآورده ساختن تعهدات خود نسبت به تضمین کننده گان با حفظ استقلال کامل و عدم انسلاک را داشته باشد.

جدول مقایسوی بی طرفی با پیروی از سویتزرلند در سال ۱۸۱۵ و افغانستان در سال ۲۰۲۰

هفت شرط یاد شده: شرط موجود با «بلی» و نا - موجود با «نه» نشاندهی شده اند							
شرایط	# ۱	# ۲	# ۳	# ۴	# ۵	# ۶	# ۷
سویتزرلند ۱۸۱۵	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی
افغانستان ۲۰۲۰	نخیر	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی

4 - Sustaining Security: Rethinking American Security Strategy, Eds. Jeremi Suri & Benjamin Valentino. Tobin Project. Oxford University Press. 2016.p. 40

5 - Sustaining Security: Rethinking American Security Strategy, Eds. Jeremi Suri & Benjamin Valentino. Tobin Project. Oxford University Press. 2016. p. 41